Analysis and Critique of Politics and Ethics Relationship in Art based on Cornel West’s Prophetic Pragmatism

MohammadAli Ashouri Kisomi
PhD Candidate of Philosophy of Art, Allameh Tabataba’i University, Tehran, Iran
M_ashori@atu.ac.ir

Abdolallah Nasri (corresponding author)
Professor of Philosophy, Allameh Tabataba’i University, Tehran, Iran.
Abdnasri.1400@gmail.com

Abstract

Part of Cornel West's prophetic pragmatism purpose is to link ethics and politics to art. In this approach, ethics becomes the basis of aesthetics and politics. He presents a picture of moral life that emphasizes the uniqueness of human characteristics. His goal of prophetic pragmatism is not to answer the questions of Western philosophy. West sees the root of these problems in Western philosophy in the epistemology of Descartes and Kant and believes that it must be overcome. The purpose of prophetic pragmatism is to provide answers to short-term problems and ongoing cultural interpretations in a specific historical period. West sees nihilism as evil, as opposed to democracy, and turns to art to combat this nihilism. He believes that original art has a common concern with the oppressed and can fight nihilism. He considers this original art to have anti-nihilistic properties. Artists in this approach are struggling to achieve democracy and must follow ethics based on religious love. In this article, after examining the relationship between politics and ethics in art, we critique West's views.

Keywords: Prophetic Pragmatism, Cornel West, Politics, Ethics, art.
Prophetic pragmatism belongs to the post-modern left. This pragmatism calls for the revival of a healthy intellectual life, the reconstruction of social forces, and the empowerment of the weak classes of society. Despite the achievements of American pragmatists, West believes that this tradition faces many challenges. He praises the results of American pragmatism such as historicism, moral beliefs, the emphasis on revisionism, the emphasis on society, and the desire for social action, but still believes that there are philosophical and political weaknesses in this tradition.

Cornel West believes that neo-pragmatism is in danger of reproducing and repeating problems and, more importantly, an inadequate understanding of the importance of power in society. To avoid these problems, he established his prophetic pragmatism.

1- Prophetic Pragmatism and Art

According to West, we live in the age of Melville, the age of spiritual silence and moral, cultural, and political collapse. Melville understood well the lived experiences of every color and class. Melville struggled with existential nihilism and epistemological pessimism. The act of white supremacy and its legacy begins with the destruction of the black body for control, economic exploitation, political oppression, and cultural degradation. The structure of racial superiority that has created such devastating consequences begins with a decline in the aesthetic value of black bodies.

2- Prophetic Pragmatism and Music

West considers black musicians to be the greatest African-American humanists. They enjoy music and are looking for ways to improve their music. The notes and chords that inspire blues music are cultural outpourings that help people stay vibrant in the face of storms of oppression and contribute to self-esteem by emphasizing creativity. Tragic hope emerges from the spiritual framework of blues music as a discourse, linking black freedom struggles with music. The best music of black
culture expresses the prevailing moral degeneration of society more than any other cultural expression.

Conclusion

In Cornel West's prophetic pragmatism, ethics is the basis of aesthetics and politics. This pragmatism begins with presenting a moral image of moral life. West attributes anti-nihilistic nature to art. This anti-nihilistic nature of art is a political endeavor based on moral principles.

Based on the issues raised, we introduce five critiques of the central theories on the relationship between ethics and politics in art:

A. West wants the prophetic pragmatism among people of color not to pay attention to the originality of race and skin color, and his criterion is the moral quality of confronting and resisting racism. But it has not been very successful in comparing blacks and other people of color.

B. West sets a double standard for artists.

C. It has neglected the historical conditions for reviving the former cultural capacities.

D. In the fight against nihilism, he offers an Art that can produce nihilistic results.

E. It does not provide the necessary reasons and explanations for the claim that prophetic pragmatism can be extended without geographical and racial restrictions.

References

بررسی و تقدیر رابطه سیاست و اخلاق در هنر
در پراگماتیسم پیامبرانه گرتن و استاد

محمدرضا عاشوری کیسمی
m_ashori@atu.ac.ir

عبدالله نصری
nasri_a32@yahoo.com

چکیده
در پراگماتیسم پیامبرانه گرتن و استاد، اخلاق و سیاست در هنر بوده و بر اساس آن نظر کرده که این مقاله به محل شکستگی اخلاق در هنر و نقش می‌دهد. گرتن به مشکلات کوتاهمدت و تفسیرهای گرفته در دوران تاریخی مشخص است. وست نیز می‌گوید که نهیلیسم را در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو نگاهی می‌توان آن در دو

کلمات کلیدی: پراگماتیسم پیامبرانه، گرتن، استاد، سیاست، اخلاق، هنر.
مقدمه

پراگماتیسم پیامبرانه با نام کرئل وست گره خورده است. دانش‌العصر استورنگر است، عضوی از دایره معرف، استونفورد در مدتی در دانشگاه استونفورد خفرش است. در بودن پراگماتیسم، به نقش و اهمیت پراگماتیسم پیامبرانه کرئل وست در توجه به موضوعات ازدیادی تأکید می‌کند (Goodman, 2018). با وجود پیشینه طولانی و تأثیرات مخرب ازدیدی، گمرک، فیلسوفی مانند وست به اهمیت و بررسی این گونه موضوعات پرداخته است. در بودن پراگماتیسم، پراگماتیسم پیامبرانه وست رنگ و بوی سیاسی و اخلاقی دارد. اگرچه او خود را در بث پراگماتیسم جای می‌دهد اما متعدد است که این گونه با مشکلات زیادی روی او، تاثیرات ازدیدی را ساخته‌اند. او تأکید بر تجربه و تأکید بر اخلاق و اقدامات اجتماعی را مورد تحسین قرار می‌دهد. اما همچنان متعدد است ضعف‌های فلسفی و سیاسی در این گونه وجود دارد (Gilyard, 2008: 13).

وست با توجه به استقبال فلسفه از پراگماتیسم در دوره‌های گذشته، نظریه پراگماتیسم را در خطر تولید و تکرار مشکلات گذشته و مهم‌تر از آن درک ناگفته از اهمیت قدرت در جامعه می‌بیند. او برای جلوگیری از این مشکلات، پراگماتیسم پیامبرانه خود را بین‌گذرانی کرد. وست تلاش می‌کند که برای روشن شدن و حل مشکلات پراگماتیسم و در رأس آن اهمیت قدرت ارائه دهد (West, 1993: 122). وی در حل مشکل تئوری از راهی ها به قدرت سیاسی و اقتصادی، ناممکن می‌داند (Ibid, 1989: 149).

وست به تقصی و تأثیر ویژه هنر در مبارزات علیه ازدیدی اشاره می‌کند. از نظر او، ابتدا نهنگ نمی‌توان شرایط سخت مبارزه را تاب آورد (Gilyard, 2008: 77). و هنرمند را در جاگاه روشنفکر و حتی بالا‌تر از فیلسوف قرار می‌دهد؛ اما او هر هنری و هنرمندی را در این جاگاه نمی‌داند؛ بلکه توجه وست به هنرمندانی است که در جریان مبارزه سیاسی به دنبال اهداف انتقلاً برای طلبانه با تاثیر اخلاقی است (Lott & Pittman, 2006: 23-24). به‌طور وسیع هنر امکان پویایی و قدرتی دارد که به انسان اجازه می‌دهد آنتانیونی تعیین دهگزی برای زمان حال تصور کند و به همین جهت اخلاق و سیاست تقصی بسیار پرترنگی در هنر دارد.
پژوهشگران متعددی مانند جانسون (2014)، رماری کون (2004) و برخی از پرگاماتیسم پیامبرانه کرتن وست نیز به تأثیر این نظریه‌ها در شناخت و تطبیق آن‌ها توجه نشان داده‌اند. با این حال، پرگاماتیسم پیامبرانه در تئوری‌های اخلاقی و سیاست در هنر که می‌تواند به عنوان یک کتاب (جنگ علیه والدین) از مبانی این رویکرد توصیفی-تحلیلی به تبلور و نقد شود. اما به هنر کمتر توجه کرده اند و از این منظر آراء او مورد غفلت قرار گرفته است. کرتن وست در پژوهش‌های فارسی کمتر شناخته شده است و تنها یک کتاب (جنگ علیه والدین) از میان 200 کتاب و دیده‌ها مقاله او در دسترس مخاطب فارسی قرار دارد.

در این مقاله ما با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی قصد داریم تا ابتدا پرگاماتیسم پیامبرانه کرتن وست را به تبیین کنیم و سپس رابطه میان اخلاق و سیاست در هنر که می‌تواند از مبانی این نظریه‌ها با تزیاد‌بررسی است را به مورد بررسی و نقد قرار دهیم.

1. پرگاماتیسم پیامبرانه کرتن وست

کرتن وست با پرگاماتیسم پیامبرانه در تلاش است تا راههای دیگری برای زندگی و مبارزه را بر اساس گذشته‌های تاریخی نشان دهد. وست پرگاماتیسم پیامبرانه را این گونه تعیین می‌کند: عملی تراژیک با هدفی اصلاحطلبانه و همواره با نگاه به چشمانهای این رویکرد انسان در مرکز عمده قرار می‌گیرد. تاریخ زندگی می‌شود و به‌شیرین فلسفی و به‌خوبی گونه‌ای تغییر دهد که این‌ها می‌توانند به وجود آورند (107: 2008). هدف پرگاماتیسم موردنظر وست توجه به بهترین نظریه‌های اجتماعی موجود، تغییر فرهنگی و تاریخ‌گرایی برای عمل سیاسی در جهت دستیابی به پایداری اخلاقی در پرتوی استراتژی‌ها و تاکتیک‌های عملی مؤثر است (West, 1989: 209).

دیدگاه دکارتی، انسان هوشمندی را جدا از سایر موجودات طبقه‌بندی می‌کند. دکارت فرآیند شناختی را از جهت کیفی متقابل از سایر فعالیت‌های انسانی می‌دانست. او باورها، تمایلات و اغراض انسان‌ها را جدا و در عین حال مرتبط با اعمال فیزیکی می‌دانست. دکارت تصور کرده بود از جهان هستند. فرضیه‌های کانتری هیم بر استقامت‌های فلسفی استوار است. در این فرضیه‌ها، مسائل فلسفی مستقل از فرهنگ، جامعه و تاریخ در نظر گرفته می‌شوند. در این نگاه، فلسفه خارج از قراردادهای اجتماعی که پایه زندگی اجتماعی است و...
فراتر از میراث فرهنگی و مسائل سیاسی مردم است (Pittman & Lott, 2008: 8). برای غلبه بر این چالش‌های دکارتی و کانتی، وست راهکاری را گذار از معرفت‌شناسی می‌داند. وست، گذار از معرفت‌شناسی را به عنوان اکثر فلسفه بلکه به عنوان برداشته‌های دوباره از فلسفه می‌داند. به عقیده او با گذار از معرفت‌شناسی فلسفه نوعی تقد فرهنگی(Cultural Criticism) دارد. وست که برای تغییر سنت‌های زبانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به منظور توسعه فردی و عوامل دموکراتیک تلاش می‌کند. وست پایه‌گذار و قانون‌مند کننده نقد فرهنگی را رالف والدو امرسون می‌داند. هدف امرسون از تقد فرهنگی، قدرتمند ساختن و انگیزش فردی برای رشد اخلاقی و تشخیص انسان‌بود (West, 1989: 37-36). در تقد فرهنگی باید ساخت قوانین و یا تغییر در قوانین به‌پسین، باشد به خوانش تاریخی زمان حالت توجه کرد. در این شرایط‌ها، میزان و کشمش‌های حاصل توجه کرد (1987: 194-193). با تقد فرهنگی، فلسفه نوعی جستجوی خردمندانه تاریخی می‌شود که تفسیرهای جدید از جهان را بر اساس سنت‌های گذشته ارائه می‌دهد واقعیت‌های ناخوشایند زندگی و تاریخ به منظور غلبه بر آنها ترجیح می‌دهد. (Ibid, 1989: 230).

در پراگماتیسم موردنظر وست، بهترین داشت‌ها چیزی نبود که جز نظرات موجه که در آنده می‌تواند اشتبا به باشد. در قلمرو اخلاقی، واقعیت و ارزش از یکدیگر نبوده و در یک بیوتار (Continuum) قرار دارد. وست اخلاق را یا به اساس زیبایی‌شناختی، هنر، منطق و سیاست می‌داند. او با ارائه تصویری از زندگی اخلاقی آغاز می‌کند. زندگی اخلاقی را در ابتدای این می‌داند که در آن به منحصر به فرد بودن افراد ادعا می‌شود. وست به عرف و اخلاق عملیویی بیوآ و نایابن در یکردن تاکید می‌کند (Ibid, 1993: 164-163). برای رسیدن به این خواسته‌ها وست تیپ به چهارچوب نظری دارد.

1- چهارچوب نظری پراگماتیسم پیامبرانه

چهارچوب نظری پراگماتیسم پیامبرانه تلفیقی است از پراگماتیسم، نئوپراگماتیسم، مارکسیسم، ست مسیحیت برلیستن، فلسفه سیاسی و سیاست آمریکایی همراه با همراهانه و هایکنر و وست خود را متعلق به ست کراگراتیسم و در ادامه تراگماتیسم می‌داند و از مارکسیسم دفاع از
دموکراسی را بر می‌گردد. وی معنید است پراگماتیسم‌های با انتشار کمالی به نقش قدرت در گفتمو افزایش خواهد داشت. در مقابل معنید است که نقد قدرت در مارکسم بدین‌صورت وجود دارد و به همین جهت در پراگماتیسم پیامبرانه از این نقد برخوردار می‌باشد. (West, 1999: 183). البته وست در سنت مارکسمیست‌ها از ابتدای سقوط‌های مشاهده می‌کند. این ابتدای نژادی ضعیف توجه به نقش قدرت و هویت است. امکان معنید است رگین پراگماتیسم فهم دقیق گزینه و هویت، نمی‌تواند با رجوع به سنت مارکسمی استفاده‌ای مناسب وضعیت خود بیابد. (West, Brown, 1993: 161-162).

وست از سنت مسیحی مفاهیمی همچون عشق مسیحی را بر پاگماتیسم سودمند می‌داند. به نظر وست در سیاست عشق مسیحی را به حفظ و انتظار مشخصی میدهد تا وقف خواهد بود. متلاع نگاره است که هرکسی را که در سوپر طبیعتی این عشق زیاد و کمتری کرد و این موضوع منجر به رکود فرهنگ می‌نماید. (Lott & Pittman, 2006: 16). از نظر وست، اخلاقیت با عشق هیچ‌گونه ارتباطی با احساسات و عواطفی ندارد. این اخلاق آخرین اتفاق برای ایجاد خش آمالیت در میان افراد تحت ظلم است. مقصود وست عشق به خود و به دیگران برای تشویق به مقاومت سیاسی در جامعه است. (West, 2001: 19).

وست از هایدگر ارائه تفسیر از معنا بودن برای انسان (دازاین) را به عاریه می‌گیرد. البته معنید است که درک هایدگر از تاریخ‌نگری دازاین و روش‌های بررسی شرایط تاریخی برای انتخاب در زمان حال رضایتبخش نیست. انتظار وست تاریخ‌نگری هایدگر قادر نیست که شرایط تاریخی از محدوده‌ای امروزه بشک و بررسی کند برای هایدگر تبدیل قطعاً مهمی در تاریخی بودن زمان انتخاب است؛ ولی از دسته برگزی از نیروهای مهم تاریخ مانند موقعیت اجتماعی در شیوه تولید، محدودیت‌های زادی و جنسیتی که ممکن است توجهی در انتخاب مؤثر هستند، چشمپوشی کرده است. وست دلیل این چشم‌پوشی را توجهی به انتخاب تنا در نظر قرار داده و نادیده گرفتن روابط اجتماعی و سیاسی می‌داند. (Lott & Pittman, 2006: 9).

ویتگنشتاین به وست کمک می‌کند تا از معرفت‌شناسی فاصله بگیرد. وست ویتگنشتاین را در کنار دیویپ و هایدگر فلسفه‌ای می‌داند که در فلسفه انقلابی تازه به وجود آوردند و فلسفه‌های از
معروفیت‌شناسی رها کردن (West, 1989: 203-200). یابید در نظر داشته که وست به ویتگنشتاین دوره‌ای توجه دارد. وی معتقد است که ویتگنشتاین با تحقق در جنبش‌های شیوه‌های مختلف زبانی و نشان داد انتقال آنها با یکدیگر و توجه به شکل‌های گوناگون زندگی و فرهنگ از هایدگر فراتر رفت. از نظر ویتگنشتاین فلسفه درمان افرادی است که هنوز توسط تصویر دکترات از جهان اسره استند و مشکلات فلسفی بی‌پایان غیرقابل حل در قالب چهارچوب دکتری را تیپا با کنار گذاشتن این چهارچوب می‌توان حل کرد (West, 1989: 200-203).

رویکرد ویتگنشتاین به باور وست برای نقد اجتماعی و سیاسی نیست لذا نیاز است که با نظریات دیگری از آن تکمیل کرد (Dykstra et al.: 1989, 68).

وست از فلسفه سیاهپوستان آمریکایی برای توجه به توزیعی استفاده می‌کند و در پاسخ به سوال «آیا چیزی به عنوان فلسفه سیاهپوستان آمریکایی داریم؟» می‌گوید اگر فلسفه را توجه گفتن خودمختار فرا تاریخی بدانیم چیزی به عنوان فلسفه سیاهپوستان آمریکایی وجود نخواهد داشت اما اگر فلسفه را به عنوان تلاشی فرهنگی برای درک جهان و به دست آوردن یک نگاه کلی‌تری بداییم، آنگاه می‌توان گفت که یک ست کلی فلسفه سیاهپوستان آمریکایی وجود دارد.

وست فلسفه سیاهپوستان آمریکایی را این گونه تعریف می‌کند:

فلسفه سیاهپوستان آمریکایی تفسیر تاریخ سیاهپوستان آمریکایی و توجه به میزان فرهنگی و مبارزات سیاسی آنها است که نه‌تنها برای پاسخ به چالش‌های امروزه اثرات آنها را به‌کار می‌گیرد. این فلسفه به کارگیری تکنیک‌های تفسیری و توجیهی برای تجربه سیاهپوستان آمریکایی است. در این فلسفه، امور‌های دینی، ایدئولوژی‌های سیاسی، بیان‌های هنری و حالتهای ناخواسته یا رفتاری تفسیر می‌شوند، وظیفه اصلی این فلسفه شکل دادن به تاریخ و اثرات درک جدیدی از تجربه سیاهپوستان برای عمل در زمان حال است» (Lott, Pittman, 2006: 11)

مفهوم مدرنیت در مرکز تفسیر وست از گذشته سیاست‌های آمریکایی قرار دارد. برای او مدرنیت مفهومی است که وضعیت تاریخی امر از توصیف می‌کند. مشخصه‌های اصلی وضعیت تاریخی امر شامل وجود تأثیر می‌باشد. از این‌رو، از ابتدا، باید به تاریخ سیاست‌های آمریکایی، تاریخی تأکید و آن را به مسیر مدرنیت است. این تأخیر فرصت‌های بسیاری را از آن‌ها جلوگیری نموده‌است از مراحل مدرنیت محروم کرد. زمانی که سیاست‌های آمریکایی به علت بزرگ، فعال تاریخی نگریسته شوند، آنگاه تاریخ مبارزه‌ها ویژه برای به‌یک تکرار در مدرنیت اشکال می‌دارد، این موضوع از جهت تاریخی به معنای حفظ عزت نفس سیاست‌های سیاه (1999: 12). Lott & Pittman (2001: 25).

وست در روابط کانالیزی در ایالات متحده رنگ‌پوست توجیه در نداشت. بلکه اول از اصل امکان، این باعث می‌شود ایفای نقش سیاه در تاریخی تا در میان رنگ‌پوست‌ها سیاست‌ها وضعیت می‌کند. و تاریخی تا در تعیین نوع برتری تاریخی سیاست‌ها سیاست‌ها، این موضوع باعث می‌شود. در سیاست‌های انگلیسی، این برندهای اخلاقی و با مفهوم اخلاقی و سیاسی درآمده و می‌باشد به اندازه آزادی فردی، می‌شود (Ibid, 1999: 95). بروجست که برای وست، روش‌های سیاست‌سازی شاخص داشت همه این فضای خارج بود.

1- اخلاق و سیاست در پراگماتیسم پایمانه

وست، رالف ولدو امرسن ۳ را به‌یک‌گانگ‌پایه‌ای پراگماتیسم آمریکایی می‌داند. اهمیت امرسن تنهایی به رد مدل‌های معنی‌شناخت طبقه و کاتئی نیست؛ بلکه توجه امرسن به تکمیل قدرت عقیده مردم (DKM (Doxa) (Episterne (Doxa)) بر ارزش دانش فلسفه) (یطیسه) (Reason) در استدلال می‌داند. امرسن
دریافت به وقِت فیلسوفان عقیده علوم را پیدا باند، استدلال را یا جایگزین عقل کنند. فلسفه به عنوان یکی از علم‌های عمیق، انتخاب، اندیشه، مبنا و پیچیدگی آن را برای فیلسوفان تغییر داده و به سازمان‌های خودفرمان داده و آزادی آنها را محدود می‌کند. این آثار هم در ازدای و هم در دموکراسی هستند و مشارکت بشر را با نام حقیقت و شرایط تلفیسفه و کربوی می‌کنند.

امرسون به فلسفه برای پراگماتیسم، این ممکنی در دموکراسی باید به شاواه‌ای از در جهان بودن شود (West, Brown, 1993: 145-146). البته توجه کرده که در جهان بودن در وست، طلین که‌گرد در هستی و زمان را دارد و آن را به مینی دیدن جهان به‌صورت در دسترس ۴ و قابل استفاده برای فرد به کار می‌برد (West, 1979: 76).

وست پراگماتیسم را بازتابی دیگر در انتقاد سیاسی می‌داند. روشنی که در این دل مشغولی امروسون از قدرت، تشخیص و انگیزه در پرتو تأکید دوبی بر آگاهی تاريخی ۴ و توپه بر اوضاع ناسالمان جهان تجربه می‌کند (William Edward Burghardt Du Bois) دویوآ (1989: 212). وست، تریلینگ را به یک پراگماتیست به‌عنوان یک عالم مفید تخلیه و تأکید بر تنو و یپچیدگی فکرمند سیاسی و ادبی بار و توپه قبل از آینده از پیشنهادات و است. پراگماتیسم وست به راه می‌راند و تجربه عقلالقو دقیق است. به نظر وست، پراگماتیسم نیازمند توجه به مفهوم ترازیک است و مراد از مفهوم ترازیک الّام به ایده
صفت پیامبرانه در پراگماتیسم، وست به ستند‌های اسلام، به‌هودیت و مسیحیت بازمی‌گردد. این ستند‌ها در برابر بی‌عادالی و فلک‌های اجتماعی مقاومت شجاعانه‌ای را توریج می‌کنند. این ستند‌ها علی‌الاکثر، خودی‌تری نمی‌باشند و با اثباتی از جمعیت‌های میان‌بینی اخلاقی و ارزش‌های غیر بازاری (مانند عشق به دیگران و قضاوت به یک آرمان اخلاقی و آزادی اجتماعی) را زنده نگاه دارند؛ اما همچنان ناچسب هستند، چون به سمت اظهارات جزیی می‌روند (126: 1993) (Ibid, 2008: 13) وست به پراگماتیسم، خود لقب پیامبرانه می‌دهد. پراگماتیسم، است در ستند یهودیان، مسلمانان و مسیحیان، پیامبران کسانی بودند که با تقد فوری و داسورت در شبیان روزگار نقد می‌کردند و در دنیای آنها شجاعت و عشق بودند (2008: 13). از نظر وست، پیامبرانهایی تحت ظلم جهان تحت تأثیر این منابع هستند. پراگماتیسم، با اختلاف انسانها و همچنین تحرك آن‌ها استفاده از عناプリ این ستند‌های مذهبی می‌تواند مقایسه باشد. با این حال وست نیز از دست‌خواری مذهبی از پراگماتیسم ارائه نمی‌دهد، بلکه به دنیای زبانی مشترک برای رسیدن به کارکرد مورد نظر خود از مذهب است. یکی از اصلی‌ترین بخش پراگماتیسم، پیامبرانه یکی از آمارا در مسیحیت به‌عمرت و می‌باشد. اخلاق مبتنی بر عشق است. اخلاق مبتنی بر عشق هیچ‌گونه ارتباطی با احساسات و عواطف ندارد. این اعتقاد تلاشی برای ایجاد حس عالمیت است. مقصود وست عشق به خود و به دیگران برای تشیع و مقاومت سیاسی در جامعه است (19: 2001). اگر اخلاق انسانی جمعی به شرایط خاص تاریخی می‌داند (Ibid, 1982: 191)، با این حال وست را به‌عنوان اصل فلسفی واحد می‌داند (57: 1984). وست معتقد است که فلسفه با گذار از معرفت‌شناسی، به‌نوعی نقد فرهنگی تبدیل می‌شود. از این حیطه پراگماتیسم، نگاه فلسفی برای گفتگو درباره مسائل فلسفی غرب نیست، بلکه بیشتر در تلاش برای پاسخ به مشکلات کوتاه‌مدت و تفسیر مداوم فرهنگی برای توضیح برده خاص تاریخی است (4: 1989). پرورش در فلسفه و آینه طبیعت می‌گوید که دنیای اصلی فلسفی‌دان باید تداوم اخلاقی با ثبات غرب باشند (روژری، 1393: 134). اینجا وست مخالفت خود را با رویتی اعلام می‌کند. وست در مسیر پراگماتیسم، پیامبرانه امید را در جامعه پرورش دهد. این پراگماتیسم

۲. هنر و پراگماتیسم پیامبرانه

وست دغدغه‌های زمانی را زمانی اصلی می‌داند که مشترک باشد؛ به‌خصوص زمایی که دغدغه‌های مشترک با افراد تحت سرم باشند (West, 1993: 51). یا می‌گوید که فلسفه با شاعری (هنر) وارد جامعه شود. انظار وست شاعر را پس از ادیب نیست بلکه کسی است که جرئت ایجاد همدلی و تخلیه در برابر هرم و مرج موجود را دارد. ایمانی که شاعر می‌پردازد از جهان و برای تغییر جهان است، به وسیله هنر باید به‌دیگران را درک کرد (MacCall; Nurmi, 2017: 220). از نظر وست ما در عصر مولیل، به‌عنی عصر خاموشی معنوی و فروپاشی اخلاقی، فرهنگی و سیاسی زندگی می‌کنیم. مولیل تجارب زیسته از هر رنگ و طبیعتی را به‌خوبی درک کرده آثار او تهدیه‌اش جهت هنری کاوش در مورد انسانیت، پانتسیال های و هدرفته، بلکه می‌توانیم از قسمت‌های ادبی، ایمان، یادبود، علم، هنر، صدا و سکوت و نتیجه پایانه از نظر وست مولیل با تئیلیسم اگزیستانسیال و نهایت معرفتی مبارزه کرد. برای فهم بیشتری از زمانی که می‌توان جمله به زبانی سیاسی را مشاهده کرد دیگر نیاز به خواندن آثار سارتر یا کامو نیست. عمل برتری طبیعی سفید و میراث آن با تخریب بدن سیاه به‌منظور کنترل به‌خوبی و نه به‌خوبی اقتصادی، نتیجه سیاسی و نتیجه فرهنگی آغاز می‌شود. ساختار برتری
نژاد که چنین یادداشتی و پرانتزی را ایجاد کرده، با کاهش ارزش زیبایی بدن‌های سیاه سایه آغاز می‌کند (West, 2000: 40).


1- ارتباط هنر و نهیلیسم

وست، نهیلیسم را متعلق به قلمرو شرایط انسان می‌داند و معتقد است که نهیلیسم روی رنگین خوک‌ها اثر بیشتری دارد. سبک زندگی غلاف بازار بر زندگی رنگین‌بوستان به اوج خشمش اگزسیسیون تبیک می‌شود. نهیلیسم تقویت کننده اخلاق بازاری است که متناهی اهداف بازار را تضعیف می‌کند (2017: 217-221). وست در اینجا با استناد از منظر امرسون اشاره می‌کند. امرسون مدعاوی بوده که این کاری که برای فرهنگ می‌توان انجام داد مقاومت در برابر بازار و تجارت است. او می‌گفت باید از خانه، همه‌چیز بازار است. وست معتقد است تصویری که امرسون از «خوود» ارائه می‌دهد را می‌توان برای فرهنگ بازار به کار بست چراکه این «خوود» به معنای واقعی کلمه حافظ دیگران است (1989: 20-28).

وست معتقد است که عدم امکان برای رنگین‌بوستان نهیلیسم را راک‌دارتر می‌کند. برای شومنه از تأثیر فرهنگی این شرایط در رمان آی در تیم جامیا (The Bluest Eyes) نوشته تا (Tony Morrison) اشاره می‌کند. در این اثر مواجهه‌ی یک سبیلوسین با ایده‌آل زیبایی اروپایی و آثار مخرب آن به‌وضوح دیده می‌شود. اولین و مهم‌ترین اثر این کتاب را در ایده‌آل زیبایی اروپایی با توجه به آثار مخرب آن است. ترسیم‌های احساس انژار از این نهیلیسم را به‌نمایی گذاشته است (2001: 18). (West, 2001: 12).

وست با نشان‌هایی به فرهنگ سیاه‌بوستان، مدعی است که آن‌ها
در باور وست، میان نهیلیسم و قدرت از تابعیت وجود دارد. نمونه‌گرایی بر مبناهای تاریخی به ابتدای دانی قدرت شده و اصول دموکراتیک در خطر می‌آید. حتی نخبگان سیاسی که می‌خواهند به اصول دموکراتیک معتقد باشند، در عمل به قدرت متفاوت توسط شده‌اند. وست به قدرت ضد نهیلیسم تنها اعتقاد ویژه‌ای دارد (2017: 218-223). ولی به این معنی که هر هنر قدرت ضد نهیلیستی دارد. از نظر وست، نمونه‌پذیری سیاست‌سازان امریکایی باعث می‌شود هنر را تولید کند که منجر به باورگیری‌های احساس‌نابینای و زندگی می‌شود و آن را نمونه‌ای از امید ترزاکتیک (ترزاکتیک محدود) می‌داند. هنر سیاست‌سازان نمونه‌ای از هنر است که قدرت ضد نهیلیستی دارد. اصول‌های سیاست‌سازان امریکایی هیچ‌دیگری، هیچ اصولی را از بازی‌های نهیلیسم در حیات بشری ندارد و انسان را در شکل جهانی آن موردنظر دارد (2008: 23-24).

وست مفهوم نهیلیسم را تناها در فرد نمی‌داند، بلکه آن را شامل تجربه‌های جامعه‌ای، مقاومت، انقلاب و بارداری اجتماعی هم می‌داند. برگامی‌نامه پیامرانه به این دلیل که برخی‌ها هرچه‌گونه فردی و جمعی از شر رویارو می‌شود، نوعی تفاوت ترزاکتیک است (1989: 228). وست می‌گوید: «احساس شر عمق و حس ترزاکتیک می‌تواند منجر به باورگیری‌های هنری دموکراتیک خواهد شود. فرهنگ جامعه دموکراتیک به فضایی مدنی مانند مشارکت توده‌ها، تجلیل تفاوت‌ها، گشوده بودن برای نظرات جدید و احترام منطبق نیاز دارد (1993: 103).» انقلاب اجتماعی عمیق است که در جریان آن ایده و واقعیت نهیلیسم جدی گرفته می‌شود. نهیلیسم خطری برای دموکراتیک است. نهیلیسم در سیاست سیاه‌شده و از درون مانند یک کرم به دموکراسی حمله می‌کند. نهیلیسم با مشروطیت تفکر اقتصادی به تمام حوزه‌های مهم زندگی نفوذ کرده است.

پراگماتیسم پیامبرانه و ادبیات

منتقدان ادبی، گرچه تفسیرهای مختلفی برای پروپیوی از قوانین پیشنهادی و یا نقش مثبت آنها ارائه داده‌اند، اما وست معتقد است که باید ببینیم که تفسیرهای تاریخی از بحران فرهنگی که منجر به ساخت این قوانین می‌شود توجه کرد. در نهایت، فرهنگ‌گزاران برای ساخت قوانین و یا تغییر در قوانین بپیشین، باید به خوانش آیه‌های زمان حال توجه کرد. در این شیوه خوانش باید به تعارض‌ها، مبارزات و کشمکش‌های زمان حال توجه کرد. باید به تعامل پیچیده میان شیوه‌های رئیسیک (Rhetoric) و نقش قدرت و سلطه توجه ویژه داشت (West, 1987: 194-193: 94).

ورست، را و نزدیکی و یا بایرون را از شاعران سنت پیامبرانه می‌داند. آنها از مشاییه، گرچه بهبینه‌دارند، اما وست معتقد است که باید بیشتر به تفسیرهای تاریخی از این شیوه توجه کرد. در نهایت، تاریخ فرهنگی که منجر به ساخت این قوانین می‌شود توجه که باید ببینیم که تفسیرهای تاریخی از بحران فرهنگی که منجر به ساخت این قوانین می‌شود توجه کرد. در نهایت، شیوه خوانش باید به تعارض‌ها، مبارزات و کشمکش‌های زمان حال توجه کند. باید به تعامل پیچیده میان شیوه‌های رئیسیک (Rhetoric) و نقش قدرت و سلطه توجه ویژه داشت (West, 1987: 194-193).

برای تحریک دموکراسی خواهی، وست خواندن آثار فرهنگی و روشنفکرانی همچون رالف والدو امرسن، لورین هانسبری، هرمن ملی، وات ویتن و اولین از طرفداران شیوه‌نامه‌می‌کند. از نظر او این افراد به زنده ماندن بروز دموکراتیک کمک شایانی کرده‌اند (5). Gilyard, 2008: 171)

در حال حاضر، وست معتقد است که نویسندگان اکوزانتاسپالیسمیست گروه‌سوزند و یا چهار، چراکه معتقد است آنها بیش از ازدواجه مشاهده هنری دارند و از اریزاسی براشان در جایگاه دووم قرار دارند. اما اگر برداشتش از مبارزات سیاسی داشته بودند تا از جهت اخلاقی گرایی است. با این حال وست هنوز ادیبات نویسنده‌گان سنت اکوزانتاسپالیسم را قابل توجه می‌داند. چراکه نحوه می‌داند. چراکه نحوه می‌داند. (Lott; Pittman, 2006: 23-29)

بررسی و تئوری راپیل سیاست و اخلاق در هنر، در پراگماتیسم پیامبرانه کرمل وست

مجله‌های علومی کنسرسیوم: گوشه‌های تئوری
2-3 پراگماتیسم پیامبرانه و موسیقی

وست خود را یک گردالا در دنبال ایده‌ها می‌خواند، اما عنوان هزینه‌ای ارتباط برقرار کردن مانی فلسفه و ریتوریک که افلاطون آن‌ها را از هم جدا کرده بود، می‌توان شروع به عنوان حذف فعل تعریف کرد. عقل محدودیت‌هایی دارد، زمانی که موسیقی (شعر) وارد می‌شود، این چیز را تعریف کرد آن‌جا که کلیساهای نشریات می‌توان با سکوت آن را بر یکدیگر، موسیقی جای خالی را می‌کند. وست موسیقی را یک فریاد جمعی می‌داند. فلسفه و هنر هر دو سلاح هستند، اما موسیقی

متعالی تر است(5:08:23).

Gilyard, 2008: 102-101

سیامی‌پستن در زندگی برده‌داری و بی‌خود بودن دنبال نوعی ایجاد منع برای زندگی بودن. همین تلاش باعث ورود سیامی‌پستن به کلیسا شد. آن‌ها در کلیساهای بروتستان با خدایی برای طلب رویه و شدن که در جامعه یافته‌ایند، پس از آن که سیامی‌پستن کنترل کلیساهای خود را به دست گرفته‌ند، زمینه‌های فرهنگی برای شکوفایی و مشارکت آن‌ها فراهم شد. وست محققان فرهنگی این دوران را موسیقی جاز و بلوز می‌داند(1985: 101). برای وست موسیقی آفریقایی - آمریکایی مانند فانک، بلوز و جازی بیش از هر چیز یک عمل ضد فرهنگ رسمی و غالب است. این روش‌های این هنر را در مخالفت سیاسی و دیدگاه مذهبی هنرمندان موسیقی آفریقایی - آمریکایی می‌داند. وی این موسیقی را برای تقویت هویت جوانانی که گریبان خیلیم نزدیک و قومی شدن‌داند، مفید می‌داند. این موسیقی، میراث فرهنگی افرادی است که تحت ستم نژادی و قومی شدن‌داند، مفید می‌داند. این موسیقی، میراث فرهنگی افرادی است که تحت ستم

سیستم نژادی گرفتار شده‌اند. هنر می‌تواند ظرفیت‌های فرهنگی پیشین مانند کلیسا، خواشده، تبادل‌های مدنی را که تحت گلبه ارتش پازار مفید شده‌اند، زندگی کند(2017).

جاز و بلوز آمریکایی برایهای مقاومت و استقلال سیامی‌پستن در برابر امپراتوری ایالات متحده را زندگی داشتند. در این موسیقی، نوازندگان بدون پرمانندی و آموزش اثر هنری تولید

می‌کنند(265:13).

روست موسیقی‌تان سیامی‌پستن را برترین اولویت‌های آفریقایی - آمریکایی می‌دانند. آن‌ها از موسیقی لذت می‌برند، در جستجوی راههای پیشرفت موسیقی هستند و تلاشی برای اثبات برترا خود به دیگران ندارند(24:08:23).

در میان سیامی‌پستان، روش‌فرمان زیادی وجود
داستان‌هایی اما وست معتقد است که هیچ‌کدام از آن‌ها توانستند یا نوداشردگان سیاه‌پوست را به‌دست بیاورند. (West, 1985:b). او نیز می‌گوید یکی از مهم‌ترین ماهیت این موسیقی را برای پیاده‌ی کارکرد روزی فرهنگی می‌داند که به کمک انسان می‌آید تا در برای طولانی‌های استم شاداپی را حفظ کرده و با تأکید بر خلاصه‌ی به عزت‌نامه‌ی کمک کند. امید تازیکی (براژوکومنیک) از چهارچوب روحانی موسیقی سایه‌پوستان به‌صورت یک گفتگو با عزیز و میان می‌بایست اگزیس‌زی خواندن آن‌ها و موسیقی ارتباط ایجاد می‌کند. بهترین موسیقی‌های فرهنگ سایه‌پوستان بیش از هر یکی فرهنگی دیگر انحیاط اخلاقی غالب جامعه‌ی را یکی می‌کند (Gilyard, 2008:77-89).

وست موسیقی چاز را حالتی بدهد و سیال می‌داند که نسبت به واقعیت‌های ایدئولوژی برتری طلبانه و دیدگاه‌های جامعی بدبیان است. او کشک‌گران و مبارزان آزادی را مانند موسیقی جاز می‌داند. کشک‌گران و مبارزان آزادی در تلاش برای انزوی اخشنیدن به مدرم برای سازمان‌دهی و مشروط تُداری است. او یک رهبر از سال‌ها به پایین نست، بلکه میان گروه‌های اجتماعی مختلف مشغول فعالیت است. او مانند یک نوازنده سولو در کوارتت جاز مستحکم حفظ نظم و ایجاد خلاصه در گروه است (West, 2001:105).

توجه به ساختمان‌های اقتصادی در هنر و موسیقی برای وست بسیار مهم است. این توجه مخصوصاً زمانی که صلح با ساختار احساسی، موسیقی و موتا و روابط است بیشتر می‌شود. رسانه‌های سرمایه‌داری از روابط احساسات، موسیقی و موتا در آمده‌ای کلی‌سی کمک می‌کند. فرهنگ سرمایه‌داری در ارتباط با آن است. فرهنگ سرمایه‌داری جستجوی بدون لذت برای مالکیت، بدون لذت برای لذت و بدون لذت برای قدرت است. این فرهنگ سرمایه‌داری را فرهنگ پول می‌داند (West; Ehrenberg: 2011, 366).

4-2. پراگماتیسم یاپورت‌انه و نقاشی

هوراس بی پین (Horace Pippin) از هنرمندان مورد توجه وست است. او باور وی، بی پین چالش بزرگی برای ارزیابی هنر به وجود آورده، آثار نقاشی او به نه به معنا نگستنی بسیار است. وست انتاری بی پین را بیان سنت امرسونی در هنر امریکا توصیف که به اهتمام زندگی عادی و روزمره‌های مهمی زیادی می‌دهد. توجه به امور روزمره مدرم عادی می‌داند که به اهتمام زندگی عادی و روزمره‌های مهمی زیادی می‌دهد.
توصیف پی‌پین گرایی است: اما ضرورتی نیست. اگر چه این تلقی با تشخیص و راه‌حل تازه‌ای و کمکی در تجربه مردم عادی، تراس برای دموکراتیک کردن زیبایی‌شناسی است (West, 1993: 49-50).

از نظر وست، پی‌پین مانند هنرمندان اولیه بلوز و جاز در موسیقی، ریشه در فرهنگ سیاهپوستان دارد. با این حال آثار او مورد توجه قرار نرفت. پی‌پین از نگاه هنرمندان سیاهپوستان کسب کرد و تلاش می‌کرد تا اعمالی سیاهپوستان برای رسیدن به انسانیت خود، بدون آنکه تلاش داشته باشد.

از نظر وست، سبب می‌شود که سیاهپوستان در دنیای سفیدپوست در این نکته، رفتارهای مختلف و طبیعی خود را بروز دهند و این موضوع باعث شده که شیوه تراژیوکمیک انسان‌ها در پوست یک سیاهپوست مشاهده شود. (Ibid: 41-53)

5- پراگماتیسم پیامبرانه و معمولی

وست معمولی را به عنوان یکی از پیامبرانه مستقیم و جامعه‌ای با حملات فناوری از دیگر هنرمندان می‌داند. ارضرع او اکثر منتقدان معمولی را با خود می‌تواند تحلیل روابط بیشتری بین مان، شرکت‌های بزرگ، دولت و شیوه‌های معمولی ندارند. این اکثریت منتقدان برای توجه به مبانی موضوعات را به علت قدرتمندی در جهت اقتصادی و کاشت علائم معمولی می‌دانند. اما برخی منتقدان ترس از مطالعه این موضوعات در نقد معمولی شود (41).

وست یکی از این موضوعات اصلی در برنامه‌های اجتماعی و سیاسی از سوی ناقص معمولی‌ها به عنوان عدم آموزش تاریخی در این مسائل می‌داند. ارضرع منتقدان معمولی به این سوالان منتقدان معمولی را به مرور فرهنگ و اقتصاد دانسته‌اند و آگاه شدند. وست این انتقاد را بزرگترین فرد مشورتی منتقدان معمولی می‌داند. او می‌پرسد: آیا می‌توانیم از این موضوعات در برنامه‌های اجتماعی دانشگاه‌ها معمولی‌ها انتقاد و فرهنگ و هنر را آموزش نمایند؟ به عقیده وست، حرفه‌ای شدن نیاز معمولی‌ها به‌طور کامل ممکن است که در هر دوره تاریخی سلطان می‌شود. این
شجره‌نامه علاوه بر بررسی تغییرات چشم‌اندازهای مهم اکادمی، ایده به چگونگی تأثیر گذاری این چشم‌اندازه‌ها در ساخت اثر و ارتباط آن با سابیر فعالیتهای فرهنگی نیز توجه کرد. وسیله می‌خواهد به معماری بعنوان عمل فرهنگی و پروردگی که تحت تأثیر نیروهای بزرگ تاریخی مانند بزار، دولت و اکادمی قرار دارد نگاه شود (Ibid: 42-41).

وسیله مشروطیت سیاست معماری را با بحران فکری تقد از معماری درای پبوند می‌داند. او معتقد است که سیب‌سیاهی بین المللی در قرن گذشته فرصت کمی برای مناقصه گذاشته‌اند. بحران فکری در نقد معماری بر اثر ترویج مدرنیستی استپره مانند به وجود آمد. مانند نباید که ایدئولوژی زیبایی شناختی نمزوی نیست، بلکه پیده‌های فرهنگی است که به کمک دانش متخصص می‌آید تا تواند به‌هوروری برای سود و کنترل سیاست و تبلیغات را به دست بیاورد. لذا از این جهت وسیله معماری را از سایر هنرها متمایز می‌داند. مدرنیست در معماری با شور و اشتیاق از هرچه شکل‌آزه‌ای انتقال می‌کند، در حالی که مثل در ادبیات، استپره (برکلی، علم و فناوری) به شکلی پادامان شهری (Dystopia) است. برای لوکوروزی دوران مدرن عصر درخشان است، اما برای تی اس الیکس درگذشته‌ای نمتواند یک فرد فرشوده نیست، بلکه توسه متمایز معماری از سایر هنرها منجر به چنین ابده آسایی در معماری شده است (46-42).

3. نقد به رابطه سیاست و اخلاق در هنر در پراگماتیسم یامبرانه

اکنون با توجه به تبیین نظرات وسیله می‌توان پراگماتیسم یامبرانه کنترل وسیله در بوته نقد قرار داد.

زیرا هنر با احساس تراژدی کمیک (امید تراژدیک) امكان تأثیر‌آوری در شرایط سخت مبارزه را می‌دهد (Gilyard, 2008: 77). همچنین گزارش‌های مشابهی از اخدایی و راه‌پیمایی نمایان ترکیب تلاش‌های درونی، اگر در مبارزه با یک عدالت همواره به شکست همواره و راه پیروی برای یکینی ترسیت نبود، خلاصه سیستمی خواهد بود. اگر افرادی که امکان ممکن داشته باشند، موضوعی مهم در مبارزه از سوی هر هرگز می‌تواند باشد، آیا به معنی این نیست که امکان عملی با یکینی و از طریق این نیست؟ 

وست به اصل زند و رنگ پوست رنگین پوستان توجیه ندارد؛ ملال که اگر منصوبات اخلاقی مقابله و استادیگی در برای تعدادی سیاست‌گذار توسط برخی رنگین پوستان در دوره‌های تاریخی، آن‌ها (سیاست‌گران) را در جایگاه‌هایی همین که بهتر می‌تواند از حقوق یکینی پوستان پاسداری کند (28-29: 2001; West, 1993: 164) با یکی از رنگین‌های مانند اخلاقی، این که به منصوبات فرد بودن افراد ادعای شود، رنگین یکی از سایر پوستان می‌گوید. 

یکی از یک سرمایه در اثبات حقوق یکینی پوستان هست؟ با یکی از منصوبات فرد بودن، دلیل فاصله ندارم که یک یکینی پوست غیر سیاست‌گذار نمی‌تواند کنیت اخلاقی بالاتری در مبارزه با تزئینی‌پرستی از یک سیاست‌گذار داشته باشد. همین موضوع را می‌توان به هرمندان سیاست‌گران و سایر هرمندان رنگین پوست بست داد. ممکن است وست پیشنهاد برده‌داری سایر رنگین‌های پوست را در پاسخ به این نقد بیان کنند؛ اما در جهان کنونی یک برده‌داری نوین را شاهد هستیم. این پاسخ چنین قابل قبول نخواهد بود. بسیاری از شرکت‌های اروپایی و آمریکایی که برخی از مالکان یا سرمایه‌داران آن‌ها سیاست‌های جهان‌یافته با سیاست‌گران امریکایی و اروپایی (مثلاً) مستند که آفرینی گزاران آن‌ها سیاست‌های جهان‌یافته با سیاست‌گران امریکایی و اروپایی تستند، کارگران رنگین پوست را در سایر کشورهای (مخصوصاً زمردستان و اسپانیا) و یا سایر سیاست‌گران محلی استمرار
می‌گنند: لذا با توجه به وجود اشکال‌هایی در برده‌داری این پاسخ و ست جنن‌های قابل قبول نخواهد بود. همچنین با پایان توسعه دادش که برده‌داری سیاهپوستان امروز جهان نیست و سیاهپوستان در تمامی نقاط جهان در یک دوره برده‌زدایی، سرکخدایان و... نبوده‌اند. این استدلال ناشی از نگاه بسیار قدیمی و به هنر و جهان بینی سیاهپوستان است. چنانچه در ادبیات و ست شی، باپرون و تبکو و... را هنرمندان ستاره‌پردازان می‌دانند (Butler et al. 2011: 96); در حالی که هیچ‌کدام این نویسندگان سیاهپوست نیستند.


وست از نهی‌لیسم و اخلاق بازار که معنا و اهداف برگز را تضعیف می‌کند و خطر فرهنگی و سیاسی آن آگاه است (Lott; Pittman,2006: 11)؛ و یک‌پاتر هنرمندان بایز به نهی‌لیسم را هنرمندان سیاهپوست معرفی می‌کند اما دلیل بر این که چرا سیاهپوست گونه‌های رضایت به معنی عدم تمایل آنها به قدرت موجود می‌شود، ارائه نمی‌کند. سیاهپوستان مصنوعی نیستند و جریان به سمت قدرت یا عدم توجه به اخلاق ندارند و این منظر سخنان وست جزئی گرایانه است.

4. به عقیده وست باید نهادهای مؤثر بر زندگی را کنترل کرد (Lott; Pittman, 2006: 11).

او فرهنگ را ساختاری اقتصادی- سیاسی می‌داند که ریشه در نهادهایی مانند خانواده، مدرسه،

وست معتقد است که هنر می‌تواند فرهنگ‌های زنده را که به‌طور غیربلغایی بازار از منابع قلمروهایی که به جامعه از وست جامعه‌ی دیگر می‌گوید که پراگماتیسم پیامبرانه محدود به جغرافیا و نژاد نیست (235: 1989)، وست می‌گوید که پراگماتیسم پیامبرانه محدود به جغرافیا و نژاد نیست (235: 1989)، مشخص است که جز و بلوز کرایه در فرهنگ تأمی نژادها و محدوده‌های جغرافیایی ندارد. اکنون این پرسش پیش می‌آید که برای جغرافیا و نژادهای دیگر چه راهکاری وجود خواهد داشت؟ پاسخ به این سوال هم جواب قانون کننده‌ای دریافت نمی‌کنیم.


نتیجه‌گیری

در پراگماتیسم پیامبرانه کنل وست، اخلاق باعث ایجاد برخی وسایل و سیاست است. این پراگماتیسم با ارائه تصویری اخلاقی از زنده‌ی اخلاقی شریعت می‌شود. وسیله زندگی اخلاقی را زنده‌ی می‌داند که در آن به منحصر به فرد بودن افراد اعیان شود. برای وست زمانتی یک هنر با اصالت است که بر
منابع دیدگاه‌های مشترک و به‌خصوص دیدگاه‌های افراد تحت سرمایش باشن، اپهیسم را شر
می‌دانند که اجزا شرایط ظنی انسان و تضاد با دومووسکی است. وست برای هنر خصوصیت
نهپیسمی قائل است. این خاصیت ضد نهپیسمی هنر نه داست سیاسی است که بر پایه مبانی اخلاقی
قرار می‌گیرد. بیشتر توجه وست به هنرهای است که به موضوعات همچون رنگین‌پوست و
مخصوصاً سیاسی برداخته‌اند. کاملترین و برون‌ریز جایگاه را در این سیستم سیاسی به موسيقی و
سیستم‌های فلسفی و جامع می‌دهد. در نقاشی، ادبیات، جامعه هنرمندانی که به موضوعات تازگریسی
برداخته‌اند، توجه دارد. در معمایی تنها با توجه به توسه منتظره آن از سایر هنرها معنی است که
منتقدین بالا وارد عمل شوند و بتوانند معنا را به عنوان عمل فرهنگی و تحت تأثیر قدرت بزار،
دولت و آگاهانه نقد کند. بر اساس مباحث مطرح‌شده بنت تقد را به نظیریات وسیع از ارتباط میان
اخلاق و سیاست در هنر وارد می‌کند:
الف. وست اگرچه به قدرت هنر در برابر نهپیسم اشاره می‌کند و هنرمندان را به مبارزه با
نهپیسم ترغیب می‌کند، اما راهکار این می‌تواند منجر به افتادن در دام نهپیسم شود.
ب. در برابر هنر و جهان بینی سیستم‌های اولیه و سیستم سیاه‌پوستان، هنر و سیاست سیاه‌پوستان را قدرت می‌کند.
ب. به اهمیت توجه به موضوع قدرت اشاره کرده و معنی است هنر سیاه‌پوستان برای تعریفات
شرایط مبارزانه مؤثر است، اما دلیل بر مصنوعات قدرت این هنرمندان از چرخه به سمت قدرت
ارائه نمی‌کند.
ت. شرایط تاریخی برای زنده کردن ظرفیت‌های فرهنگی پیشین را مورد غفلت قرار داده است.
ج. در این ادعا که براگماتیسم یا اپهیسم این موضوع جغرافیایی و تزئین قابل بسط است
درایل و توضیح لازم ارائه نکرده است.
چ. چ. وست استناددگان‌های برای هنرمندان قائل است که دلیل آن را می‌توان توجه با عدم
توجه به موضوع تازگریستی دانست.
پ. تووشت‌ها

West, 1981b: 184

Historicism
نقد وست از دانش بر اساس نقدی چارلز سندرس پیرس از تلاش‌های پیروان دکارت برای یافتن پایه و اصل برای دانش استوار است (West, 1989: 44).

کرنل وست رالف وادو امرسون را نقطه شروع پراگماتیسم آمریکایی می‌داند (West, 1989: 6).

نوئی از افکاری تاریخی که ویژگی‌ها و شرایط وجود انسان در جامعه و فرهنگ سیال را برجسته می‌نماید (West, 1989: 69-70).

وست معتقد است که ملویل پس از جنگ جهانی در آثارش با نیهیلیسم اکزیستسیال و بدبینی معرفتی مبارزه می‌کرد (MacCall & Nurmi, 2017: 217).

منابع
- Buschendorf, Christa; West, Cornel (2013) "A Figure of Our Times", *Du Bois Review*, 10(1): 261.
- West, Cornel (1979) "Schleiermacher’s hermeneutics and the myth of the given". *Union Seminary Quarterly Review*. 34: 71-84.
- West, Cornel; Brown, Bill (1993) "Beyond Eurocentrism and multiculturalism". *Modern Philology* 90, S142-S166.
- Wimsatt, William; Ignatiev, Noel; West, Cornel (1997) *I'm Ofay, You're Ofay: Can class consciousness destroy the white race?* Trans. Kampala then New York, 1(73): 176-203.